

به نام پروردگاریکتا

علوم انسانی والگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: فرا ترکیب یافته‌های پژوهشی

از مجموعه پژوهش‌های

«طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور»

دکتر یحیی فوزی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علوم انسانی والگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:

فرا ترکیب یافته‌های پژوهشی

مؤلف: یحیی فوزی

ناظر طرح: محمد باقر خرمشاد

مدیر انتشارات: بدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

طراح جلد: فرزاد جلیلیان

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن:

۸۸۳۱۷۱۹۲

فهرست

۷	سخن پژوهشگاه
۱۳	مقدمه
۱۵	سؤالات پژوهش
۱۶	اهداف پژوهش
۱۷	تعریف مفاهیم پژوهش
۲۰	روش پژوهش
۲۴	پیشینه پژوهش
۲۷	سازمان دهی مباحث
۳۱	فصل اول: تحول مفهوم پیشرفت: از یکسان‌انگاری تا پساتوسعه
۳۵	گفتار اول: تصور اولیه از پیشرفت در غرب
۳۸	گفتار دوم: پیشرفت در قالب مفهوم توسعه: مکتب مدرنیزاسیون
۵۱	گفتار سوم: پیشرفت به عنوان روایت‌های بومی از تجدد
۵۲	۱. تجددگرایی از طریق پیوند با سنت‌های جوامع: مکتب نئومدرنیزاسیون
۶۲	۲. پیشرفت از طریق قطع ارتباط با نظام سرمایه‌داری بین‌المللی
	۳. پیشرفت به عنوان تجددگرایی از طریق بهره‌گیری کشورهای پیرامون از
۷۲	فرصت‌های نظام بین‌الملل (مکتب نظام جهانی)
۷۸	گفتار چهارم: پیشرفت به عنوان تجربه‌های یکتاانگاران؛ رویکرد پساتوسعه
۸۴	جمع‌بندی فصل

فصل دوم: متفکران جهان اسلام و الگوهای پیشرفت ۸۹

الف. اندیشه الگوی اسلام حضاری در بین متفکران و رهبران مالزی و شرق آسیا ۹۲

ب. اندیشه الگوی پیشرفت مبتنی بر رویکرد تجددگرایی صوفیانه در ترکیه ۱۰۳

ج. اندیشه الگوی اصلاحات اجتماعی سیاسی با محوریت شریعت در پاکستان ۱۰۹

د. اندیشه الگوی تجددگرایی معطوف به اندیشه نوسلفی در حاشیه خلیج فارس ۱۱۴

ه. اندیشه الگوی پیشرفت بومی در ایران ۱۱۷

جمع‌بندی فصل ۱۲۰

فصل سوم: نظریه‌های پیشرفت در ایران معطوف به نسبت تجدد، دین و ملیت ۱۲۳

گفتار اول: الگوی پذیرش و اخذ تجدد غربی در همسویی با دین و ملیت ایرانی ۱۲۴

۱. طالب‌اف تبریزی: دغدغه تجدد همسو با دین و استقلال اقتصادی ۱۳۱

۲. میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله: تلاش برای تجددگرایی از طریق سازگاری با دین ۱۳۵

۳. یوسف مستشارالدوله: تأکید بر همسو بودن پیشرفت غربی با روح اسلام ۱۴۱

گفتار دوم: الگوی تصرف در تجدد با محوریت شریعت و مؤلفه‌های ملی ۱۴۶

نایینی: دفاع از اصلاحات سیاسی همسو با دین ۱۵۰

گفتار سوم: الگوی تجدد بومی در پیوند با مؤلفه‌های ایرانی و دین خردگرا ۱۵۳

۱. حسین ایران‌شهر: دفاع از تمدن ایرانی ۱۵۴

۲. احمد کسروی: تأکید بر پیشرفت بومی با دو بال دانش و دین خردگرایانه ۱۵۶

۳. محمد علی فروغی: سازگاری تجددگرایی با حفظ هویت شرقی ۱۵۹

۴. فخرالدین شادمان: تسخیر تمدن فرهنگی با زبان و فرهنگ ایرانی اسلامی ۱۶۰

گفتار چهارم: الگوی پیشرفت غیرغربی در پیوند با سنت‌های بومی و

معنویت‌گرایی شرقی ۱۶۲

۱. سید حسین نصر: پیشرفت در هماهنگی با سنت‌های الهی ۱۶۵

۲. احمد فردید و الگوی عصر ظهور ۱۶۷

۳. داریوش شایگان: الگوی پیشرفت با آلودگی کمتر ۱۷۰

فهرست ۵

۴. جلال آل احمد: پیشرفت به عنوان نفی غرب زدگی و نیل به قدرت تکنولوژیک ۱۷۳
- گفتار پنجم: نوگرایی اسلامی و مسئله پیشرفت ۱۷۷
۱. علی شریعتی: پیشرفت مبتنی بر دموکراسی متعهد، عدالت و احیای هویت ۱۷۸
۲. مهدی بازرگان: پیشرفت مبتنی بر پیوند علم و تجربه و دین ۱۸۲
۳. علامه طباطبایی: سعادت جمعی به عنوان هدف غایی پیشرفت ۱۸۶
۴. محمدتقی جعفری: حیات معقول به مثابه هدف پیشرفت ۱۹۰
۵. مرتضی مطهری: پیشرفت مبتنی بر رفع نیازهای همه جانبه و حقیقی ۱۹۳
۶. آیت الله طالقانی: پیشرفت مبتنی بر شورا، مدارا و اقتصاد اسلامی ۱۹۸
۷. امام خمینی: پیشرفت همسو با احکام الهی و تجارب بشری ۲۰۱
- جمع بندی فصل ۲۰۳
- فصل چهارم: نظریه پیشرفت بعد از انقلاب ۲۰۶
- گفتار اول: رویکردهای مختلف به مؤلفه های پیشرفت بومی بعد از انقلاب ۲۰۷
۱. مؤلفه های سیاسی ۲۱۲
۲. مؤلفه های اقتصادی ۲۱۴
۳. مؤلفه های فرهنگی - اجتماعی ۲۲۰
- گفتار دوم: آیت الله خامنه ای و ایده الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۲۲۴
- فصل پنجم: فراترکیب یافته های پژوهشی مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۲۳۱
- گفتار اول: چگونگی کاربست روش فراترکیب در این پژوهش ۲۳۱
- الف. ویژگی های روش فراترکیب ۲۳۵
- ب. چرایی استفاده از این روش در این پژوهش ۲۳۷
- ج. فرایند انجام دادن روش فراترکیب ۲۴۱
- گفتار دوم: یافته های مستخرج از فراترکیب پژوهش ها ۲۸۵
- الف. مفاهیم محوری استخراج شده از یافته های پژوهشی ۲۸۶

- ۳۲۳ ب. ترکیب مفاهیم مشترک و کشف مقولات فراگیر در آثار پژوهشی
- ۳۳۳ ج. نظریه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مستخرج از ترکیب یافته‌ها
- ۳۵۲ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
- ۳۶۵ منابع
- ۳۶۵ منابع فارسی
- ۳۹۳ منابع انگلیسی

سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش‌گرفتن رهیافت بومی و کاربردی سازی علوم انسانی شکل گرفته و بر پایه خرد جمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان بر پایه این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)
۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکننده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)
۳. شیوه‌ها و مظاهر کاربست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با

پشتوانه بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول‌گرا و هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی-پژوهشی، علمی-تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آماده نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهاد‌های علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به

همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به شمار می آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب های مجموعه طرح های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان که طی این سال ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانته علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل نامه های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین المللی فارابی و ده ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله ای پرتال در رده بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت های حوزه ترویجی سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه هزار نفره متشکل از استادان صاحب نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت سازی و ارتقای توانمندی به شمار می آید.

بدیهی است با همه مزیت های این مجموعه طرح ها و آثار، بخش هایی از این کتاب ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه وری بیشتر این آثار در چاپ های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی جویی دغدغه استاد زنده یاد دکتر صادق آینه نند (ره) در منشور ایشان مبنی بر

«اتصال به ریشه انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنا و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک سو و اهتمام همه همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیته علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانه طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیه محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همه آنان باشیم؛ به ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلاگامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور

مقدمه

بحث دربارهٔ چیستی و چگونگی الگوی پیشرفت در ایران موضوع مهمی در علوم انسانی ایران بوده است. در این باره طیفی از اندیشه‌ها را نیروهای مختلف فکری مطرح کرده‌اند که به صورت کلان می‌توان آن‌ها را در دو جریان کلی طبقه‌بندی کرد: کسانی که راه برون‌رفت را در الگویی یکسان‌انگارانه معطوف به تجربهٔ غرب جست‌وجو می‌کردند و کسانی که بر نوعی الگوی پیشرفت معطوف به نیازها و شرایط و همسو با بستر فرهنگی و بوم‌زیست ایران تأکید می‌کردند.

رویکرد اول تحت تأثیر نظریه پردازان اولیهٔ توسعه^۱ جوامع را به سنتی و مدرن تقسیم کرده و معتقد بودند که همهٔ جوامع سنتی به طور اجتناب‌ناپذیر حرکت تکاملی خود را به سمت جامعهٔ مدرن، که نقطهٔ اوج آن کشورهای غربی‌اند، طی می‌کنند. به این معنا که یک خط واحد پیشرفت تاریخی وجود دارد که ضرورتاً در همه جا تکرار خواهد شد. به نظر آنان، جامعهٔ مدرن به تدریج با زوال جامعهٔ سنتی بر جهان سوم حاکم خواهد شد. و کشورهای غیرغربی راهی به جز پیروی کامل از الگوی تعقیب‌شده در غرب برای پیشرفت ندارند.

در مقابل، بخش مهمی از اندیشمندان بر ضرورت الگوی پیشرفت معطوف به نیازها و شرایط و همسو با بستر فرهنگی و بوم‌زیست ایران تأکید می‌کردند؛ به

۱. این تفکرات مدرنیستی متأثر از نظریات تکامل‌گرایانهٔ قرن نوزدهم و همچنین نظریه‌های کارکردگرایانه بود که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بر ادبیات توسعه حاکم بود (نگاه کنید به:

So, Alvin, Y. (1990). *Social Change and Development*, U.S: Sage Publication Ltd

طوری که می‌توان گفت گفتمان غالب در خصوص پیشرفت بین اندیشمندان ایرانی در دو قرن گذشته حمایت از این رویکرد بوده است.

اصولاً این رویکرد از دوران قاجار و به خصوص بعد از جنگ‌های ایران و روس مطرح گردیده و در زمان مشروطه و پهلوی و در سال‌های بعد از انقلاب تداوم داشته است. از جمله این اندیشمندان می‌توان به عباس میرزا، امیرکبیر، طالب‌اف، میرزا ملکم‌خان، یوسف مستشارالدوله و همچنین اندیشمندان مشروطه مانند آیت‌الله نائینی و در سال‌های بعد ایران‌شهر، کسروی، فروغی، آل‌احمد، شریعتی، شایگان، آیت‌الله مطهری، امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کرد که دغدغه آنان، با وجود تنوع دیدگاه‌ها، اغلب بحث از پیشرفت همسو با بوم‌زیست ایران و برای حل مشکلات کشور و همچنین تأکید بر چگونگی نقش دین به منزله مهم‌ترین عنصر فرهنگی جامعه ایران در الگوهای پیشرفت بوده است. و به این منظور راهبردهای مختلفی را در خصوص چگونگی اثرگذاری عناصر ملی و دینی در الگوی پیشرفت مطرح کرده‌اند.

اما در درون این جریان، نیروهای فکری مختلفی وجود دارند؛ به طوری که بخشی از آن‌ها از پیوند هویت ملی و ناسیونالیسم ایرانی با تجدد و برخی دیگر از پیوند اسلام و تجدد سخن گفته‌اند و گروهی نیز الگویی یکتاانگار و تأسیسی فارغ از تجربه غرب را مطرح کرده‌اند.

در سال‌های بعد از انقلاب و با غلبه گفتمانی نوگرایان دینی که از اقتباس و تصرف در تجدد و ارائه الگوی تجددگرایی معطوف به مؤلفه‌های دینی و ملی در ایران دفاع می‌کرد، این مباحث وارد مرحله جدیدی شد. نگرش‌های مختلفی درباره چگونگی پیوند تجدد و دین و ملیت مجدداً در بین نوگرایان دینی طرح گردید که به دلیل غلبه گفتمانی قرائت فقهی اجتهادی نوگرایان جریان تلاش برای عملیاتی کردن الگوی مورد نظر خود را آغاز کرد و در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای تأسیس ساختارهای

جدید مبتنی بر الگوی پیشرفت معطوف به قرائت خود از دین و ملیت در ایران پرداخت.

اما علی‌رغم اینکه انقلاب ایران خود به دنبال الگویی متأثر از مؤلفه‌های دینی و ایرانی برای پیشرفت کشور بود و مبتنی بر آن به تأسیس نهادها و جهت‌گیری‌های خود پرداخت، اما در دو دهه اخیر بحث از ضرورت تأسیس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مجدداً در فضای گفت‌وگویی و نخبگانی ایران را رهبری انقلاب مطرح کرد و برای تبیین چیستی و چگونگی عملیاتی‌سازی این الگو طی دو دهه گذشته آثار مختلف و گسترده‌ای در عرصه علوم انسانی منتشر شده است؛ به طوری که صدها مقاله، کتاب و رساله و اثر پژوهشی درباره این موضوع نگاشته شد که هر یک از دیدگاهی خاص به این الگو نگریستند و تلاش برای تبیین آن را آغاز کردند. این حجم انبوه از اطلاعات ضرورت یک فرامطالعه و یکپارچه‌سازی برای رسیدن به هسته مشترک آن‌ها و شناسایی تفاوت‌ها و تشابه‌های یافته‌های این آثار با دیدگاه‌ها و نظریات پیشین در دو قرن گذشته در خصوص این الگو و دستیابی به تبیینی اجماعی و عالمانه از پدیده الگوی اسلامی ایرانی را الزامی می‌سازد. براین اساس، مسئله این پژوهش تبیین ویژگی‌ها و وجوه نوآورانه یافته‌های این پژوهش‌ها در مقایسه با نظریات و اندیشه‌های متفکران پیشین بومی‌گرا در ایران و چرایی و چیستی این الگو در آثار منتشرشده محققان علوم انسانی و ارائه مدلی برای تبیین نظری آن است.

سؤالات پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی چه نسبتی با نظریات و اندیشه‌های معطوف به پیشرفت در بین متفکران علوم انسانی دارد و پژوهش‌های انجام‌شده درباره این الگو، در دو

دهه گذشته در ایران، چه یافته‌های متمایز و نوآورانه‌ای در مقایسه با الگوهای پیشین مطرح ساخته‌اند؟

همچنین برای پاسخ به این سؤال اصلی باید به چند سؤال فرعی در فصول مختلف به شرح زیر پاسخ داده شود:

- الگوی پیشرفت معطوف به مؤلفه‌های دینی و بومی چه جایگاهی در نظریات توسعه در علوم انسانی دارد؟

- الگوی پیشرفت معطوف به مؤلفه‌های دینی و بومی چه جایگاهی در اندیشه متفکران علوم انسانی جهان اسلام و ایران در دو قرن گذشته داشته است؟

- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چگونه در آثار پژوهشی محققان علوم انسانی بعد از انقلاب بازنمایی شده است؟ و چه ویژگی‌های مشترکی را می‌توان از آثار نگاشته شده درباره این الگو به عنوان هسته مرکزی و ثابت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت استنباط کرد؟

- چه نظریه‌ای را می‌توان از یافته‌های پژوهشی مرتبط با این الگو، برای تبیین چرایی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر محققان علوم انسانی ایران بعد از انقلاب و فهم نوآوری‌های آن ارائه کرد؟

اهداف پژوهش

هدف این پژوهش یکپارچه‌سازی یافته‌های پژوهشی مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی و دستیابی به ارائه فهمی مشترک از آن بوده است، هر چند اهداف فرعی زیر نیز مدنظر است:

- اثبات پیوستگی و همسویی اندیشه الگوی اسلامی ایرانی با تفکرات و نظریات غالب در خصوص پیشرفت در تاریخ دو قرن ایران؛

- تحلیل کیفی محتوای آثار و پژوهش‌های انجام‌شده و خوانش‌های مختلف در خصوص الگوی بومی دینی از پیشرفت و تفسیر ترکیبی یافته‌های حاصل موجود؛
- درک عینی از هسته مرکزی این خوانش‌ها و کشف مفاهیم برجسته، محوری و قابل‌احصا در خصوص مفهوم الگوی بومی دینی در ایران؛
- ارائه بینش و دانش عمیق‌تر و جدید در خصوص الگوهای بومی دینی از پیشرفت در ایران؛
- کمک به طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران.

تعریف مفاهیم پژوهش

مفاهیم مهم این پژوهش عبارت‌اند از پیشرفت، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، علوم انسانی. در ابتدا لازم است برای فهم مناسب از این واژه‌ها از دید نویسنده توضیحی درباره مفاهیم مهم در این پژوهش به شرح زیر داده شود.

مفهوم پیشرفت

مفهوم لغوی پیشرفت در انگلیسی معادل واژه Progress به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است و در زبان فارسی به معنای پیش‌رفتن، جلورفتن، پیش‌روی، ترقی است. هر چند پیشرفت به معنای لغوی خود در عرصه‌های گوناگون درونی و بیرونی بشر قابل‌بحث است و ارتباط وثیقی با نوع‌نگرش به جهان و نوع‌نگرش به انسان و غایات و اهداف او دارد، آنچه محل مناقشه و موضوع بحث در جهان امروز ماست پیشرفت به مثابه تغییر و تحولی بیرونی و تغییر و در نوع رابطه انسان با طبیعت و یا کنترل بشر بر طبیعت به واسطه آگاهی از قوانین طبیعت است.

این مفهوم در اصطلاح به معنای تغییرات و تحولاتی است که بعد از رنسانس در اروپا و کشورهای غربی در عرصه علم، تکنولوژی و سبک زندگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی شکل گرفت و بخشی از متفکران این تغییر و تحولات را با فلسفه‌ای تاریخ پیوند زدند و این تحولات را در زمینه حرکت جبری و تک خطی جوامع بشری به سوی هدف مشخص دانستند. در واقع، مفهوم جدید از پیشرفت از یک سو در بردارنده مجموعه‌ای از تحولات و تغییرات در جهان و محیط بیرونی بشر و مبتنی بر عقل بشری بود و از سوی دیگر در بردارنده تصور روند و حرکتی کلان در تاریخ جوامع بشری به سوی غایتی مشخص بود. این نوع تعریف به پیشرفت تا بیش از دو قرن بر اندیشه بشر سایه افکنده بود.

اما به تدریج در اوایل قرن بیستم این نوع تعریف تعدیل شد و ابعاد فلسفه تاریخی آن تضعیف شد و اعتقاد به روایتی کلان از حرکت تاریخ به سوی مسیر معین زیر سؤال رفت؛ لذا بحث از پیشرفت بعد از جنگ جهانی در قالب نظریات توسعه تداوم یافت. در واقع در نظریات توسعه، اغلب بر نحوه برنامه‌ریزی برای ایجاد تحولات در جوامع مختلف تأکید می‌شود و ابعاد فلسفه تاریخی و اعتقاد به مسیر یکسان‌انگارانه برای پیشرفت در همه جوامع کم‌رنگ شد و کنار گذاشته شد و تعریف جدیدی از پیشرفت مطرح گردید.

بنابراین، تعریف از مفهوم پیشرفت براساس یک تعریف پسینی تعریفی مشکک و طیف‌گونه است و هنوز در حال صیقل خوردن است. اما گوهر این تعریف را می‌توان ایجاد مجموعه‌ای از تغییرات و تحولات در محیط توسط عوامل انسانی مبتنی بر یافته‌های علمی برای رسیدن به اهداف مشخص همچون رفع نیازهای اولیه و رفاهی (خوراک و پوشاک، مسکن) و در حوزه آرمان‌های اجتماعی (نظم، آزادی، عدالت، امنیت، برابری) و در نهایت در حوزه آرمان‌های اخلاقی (حقوق بشر و اخلاق عمومی) و ارتقای کیفیت

زندگی بشر و ارتقای کارآمدی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانست که جهت‌گیری‌های این پیشرفت نیز می‌تواند تحت تأثیر عوامل فرهنگی اشکال مختلفی به خود گیرد.

مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

الگو به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین اطلاق می‌شود که در ساختاری منطقی برای توضیح و تفسیر یک سیستم از موجودات تکوینی، پدیده‌ها، روش‌ها، فرایندها، تئوری‌ها و نظریه‌ها ارائه می‌گردد.

و از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دو معنای خاص و عام را می‌توان ارائه کرد. الگوی خاص منظور سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت است که مرکز الگوی اسلامی ایرانی تدوین کرده است. اما به صورت عام الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کلیه مباحث ارائه شده درباره نسبت دین ملیت و پیشرفت را در بر می‌گیرد که متفکران ایرانی طی دو قرن گذشته در اندیشه‌هایشان مطرح کرده‌اند، و می‌تواند مبنای نوعی الگوی پیشرفت معطوف به نیازها و شرایط بوم‌زیست و همسو با فرهنگ و ارزش‌های دینی ایران باشد. در این پژوهش منظور معنای عام آن است.

مفهوم علوم انسانی

درباره ارائه تعریفی دقیق و همگانی از علوم انسانی اختلافات فراوانی وجود دارد و از دیدگاه‌های مختلف می‌توان تعریف‌های متفاوتی از علوم انسانی ارائه کرد؛ برخی از دید موضوعی مراد از علوم انسانی را مجموعه معارفی دانسته‌اند که موضوع تحقیق آن‌ها فعالیت‌های مختلف بشر یعنی فعالیت‌هایی است که متضمن روابط بشر با یکدیگر و روابط این افراد با اشیا و نیز آثار و نهادها و مناسبات ناشی از این‌هاست. و برخی دیگر از منظر متعلق هر علم و در تقسیم‌بندی‌ای کلی همه علوم بشری، به استثنای ریاضیات، را به سه دسته

علوم فیزیکی، زیستی و انسانی تقسیم کرده‌اند. و علوم انسانی را علمی دانسته‌اند که «با فکر و اندیشهٔ انسان سروکار دارد؛ یعنی متعلق این علوم با فکر و اندیشهٔ انسان ارتباط دارد.»

برخی نیز از منظر کارکردی معتقدند علوم انسانی دانش‌هایی ناظر به حالات، شئون و رفتارهای فردی یا اجتماعی «انسان» هستند که از جمله کارکردهای اصلی آن «فهم» و «کشف معنای» کنش‌های انسانی و همچنین داوری هنجاری و ارزشی دربارهٔ کنش‌های انسانی است؛ بنابراین به آن «علوم تفهومی» یا «علوم هنجاری» نیز گفته می‌شود. براساس یک تعریف کارکردی، علوم انسانی را در یک عبارت اجمالی می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «دانش توصیف، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی، تقویت، اصلاح یا تغییر کنش‌های انسانی.» براین اساس، علوم انسانی مجموعه‌ای از مفاهیم، نسبت‌های مفهومی همچون نظریات و فرضیات و روش‌هاست و هدف و کارکرد آن «توصیف»، «تبیین»، «تفسیر»، «پیش‌بینی»، «تقویت، اصلاح یا تغییر» کنش‌های انسانی است. در این پژوهش مؤلفه‌های علوم انسانی براساس کارکرد آن عبارت‌اند از نظریات، تحلیل‌های روشمند و تفاسیر که اندیشمندان علوم انسانی در خصوص الگوی یادشده مطرح کرده‌اند بحث می‌کنند.

روش پژوهش

این پژوهش شامل دو بخش است که با توجه به نوع مباحث در هر بخش از روش‌های متفاوتی در آن‌ها استفاده خواهد شد. در بخش اول، که با هدف شناسایی جایگاه الگوی اسلامی ایرانی در بین نظریه‌ها و اندیشه‌های گوناگون از پیشرفت نگاشته شده است، از روش استنتاجی استفاده خواهد شد. استنتاج نتیجهٔ استدلال در حوزهٔ معارف ذهنی بشر بوده و روایی آن مبتنی بر اقتناع است که در تمامی انواع پژوهش، هر جا که عینیت به سمت ذهنیت

می‌رود، می‌توان شاهد حضور استدال منطقی در مقام راهبردی پژوهشی بود. بنابراین، پژوهش بر مبنای استدال منطقی پژوهشی کل‌نگر است. و محقق با توسل به ساختارهای لفظی و کلامی تفسیر خود را از موضوع عرضه می‌کند و در این راه تلاش می‌کند با انسجام منطقی و عقلانی، از حیث صوری و محتوایی، زمینه را برای اقناع مخاطبان فراهم کند (رضایی، ۱۳۹۹: ۸۵-۱۱۹).

اما در بخش دوم، که هدف آن ترکیب یافته‌های پژوهشی مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است، از روش فراترکیب^۱ استفاده خواهیم کرد. فراترکیب یکی از روش‌های جدیدی است که ذیل روش‌های فرامطالعه قرار می‌گیرد و بر ترکیب یافته‌های کیفی پژوهش‌ها تمرکز دارد و می‌تواند در گسترش و خلق تئوری‌ها محققان مختلف علوم انسانی را یاری کند؛ به عبارت دیگر، فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که یافته‌های سایر تحقیقات کیفی در زمینه یک موضوع را به عنوان داده به کار می‌گیرد. بنابراین، نمونه‌های مطالعه فراترکیب را مطالعات کیفی تشکیل می‌دهند که محقق براساس سؤال پژوهی موردعلاقه آن‌ها را وارد مطالعه می‌کند. فراترکیب با یکپارچه‌سازی یافته‌های مطالعات منتخب انجام شده در پدیده‌ای خاص برای ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری موجب می‌شود درک وسیع‌تر، عمیق‌تر و جامع‌تر از آن پدیده حاصل شود (Sandelowski, 2007: 105). و دانش حاصل از مطالعات کیفی در مورد پدیده‌های خاص با کمک این روش می‌تواند با تفسیر و مقایسه مطالعات کیفی مختلف با استفاده از یک دستگاه مفهومی متفاوت به دانشی جامع تبدیل شود (Bergdah, 2019: 1). این تفاسیر در حقیقت برداشت‌ها و استنتاج‌هایی‌اند که از بررسی تمام آثار منتخب مرتبط با پدیده خاص مشتق شده‌اند؛ بنابراین یافته‌ها و تفاسیر جدیدی را که از مطالعه فراترکیب به دست می‌آید در هیچ‌یک از متون اولیه نمی‌توان یافت

(Sandelowski & Barroso, 2003: 158). فرایند انجام دادن فراترکیب گام‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. برخی محققان از هفت گام نام برده‌اند که عبارت‌اند از طرح روشن مسئله و سؤال تحقیق، مروری بر ادبیات پژوهش به شکل نظام‌مند، جست‌وجو و انتخاب متون مناسب، استخراج اطلاعات متون، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی، کنترل کیفیت، ارائه اطلاعات (Sandelowski, 2007).

ترکیب و سنتز یافته‌های کیفی قلب این روش است و برای ترکیب یافته‌ها دو راهکار متداول وجود دارد: اول، تحلیل داده‌ها با بازخوانی یافته بدون در نظر گرفتن چهارچوب مفهومی؛ دوم، مطالعه تحلیل یافته‌ها بر اساس چهارچوبی از پیش تعیین شده. در این راهکار، مقولات از پیش تعیین شده‌ای برای تجزیه و ترکیب مفاهیم و ارتباطات بین آن‌ها وجود دارد (Finfgeld, 2003: 900). در این پژوهش از راهکار دوم استفاده خواهد شد. و به این منظور، از چهارچوب فهم منطق درونی نظریه‌های توماس ای. اسپریگنز (۱۹۱۷-۲۰۰۶)، استاد علوم سیاسی، استفاده خواهیم کرد. اصولاً برای فهم اندیشه‌ها رویکردهای متفاوتی وجود دارد. یکی از آن‌ها رویکرد کشف سازه منطقی اندیشه و منطق درونی نظریه است. این رویکرد، که توماس ای. اسپریگنز در کتابی با عنوان *فهم نظریه‌های سیاسی* (اسپریگنز، ۱۳۸۲) مطرح شد، بر ضرورت استخراج ساختار منطقی اندیشه و متن کشف و منطق درونی نظریه تأکید دارد. این رویکرد را می‌توان در قالب نظریه انتقادی مطرح کرد که یکی از نظریه‌های بدیل در مقابل نظریه اثبات‌گرایی و تفسیری و پست‌مدرنیستی است که بر پیوستگی سطح نظری و عملی و بر رابطه و دیالکتیکی ذهن و شرایط اجتماعی تأکید دارند. این نظریه بر ارتباط نظریه و عمل تأکید می‌کند. از این دیدگاه، نظریه‌ها برای تغییر شرایط مطرح می‌شوند؛ بنابراین در این میان نقش دو عامل «رنج» و «نیاز» در تعیین رابطه نظریه و عمل بسیار مهم است (فی، ۱۹۸۳: ۹۶). بر اساس این رویکرد، با تأکید بر اولویت

عوامل زمینه‌ای، اندیشه را محصول بحران‌های زمانه می‌دانند و معتقدند که اندیشه پرسش‌های زمانه خود را توضیح می‌دهد. بنابراین، برای فهم هر اندیشه باید به این شرایط بحرانی و مشکلات زمانه توجه کرد و دستگاه فکری و ایدئال تایپ‌های مؤثر بر تحلیل علل بحران و راه‌حل‌های ارائه‌شده از سوی اندیشمندان برای حل مشکلات را که در قالب اندیشه‌های جدید مطرح می‌گردد، باید مدنظر قرار داد. در این رویکرد، اسپریگنز نظریه‌های سیاسی - اجتماعی را حاصل چهار مرحله یعنی مشکل‌شناسی، علت‌شناسی، آرمان‌شناسی و راه‌حل‌شناسی می‌داند. او در گام نخست مدعی است که نظریات ذکرشده تحت تأثیر واقعیت جوامع شکل گرفته و پاسخ به مشکلات محیط آنان است. براین اساس، نظریه‌های سیاسی - اجتماعی صرفاً تفریح آکادمیک نیست، بلکه عمیقاً به موضوعات عملی روزمره مربوط است. او از قول ادmond برک تأکید می‌کند که عطش حریصانه برای ارائه نظریه‌های جدید نشانه آن است که جامعه به وضع بدی دچار شده و بیمار است؛ لذا ارائه نظریه‌های جدید برای نجات بیمار طرح می‌شود (اسپریگنز، ۱۳۶۵: ۲۹). به بیان دیگر، وی معتقد است که نظریه‌های سیاسی - اجتماعی برای پاسخ به حل مشکلات و نیازهای جامعه شکل می‌گیرند؛ در واقع پاسخی به بحرانهایی است که اندیشمندان در جامعه با آن مواجهه‌اند. بنابراین، اولین مرحله فهم هر نظریه مشاهده و شناسایی بحران‌ها و مشکلات اجتماعی است که نظریه برای پاسخ‌دادن به آن طراحی شده است. در مرحله دوم پس از مشاهده بی‌نظمی، جست‌وجوی دلیل بی‌نظمی است. و به این منظور نظریه‌پردازان به تحلیل ریشه‌های بحران می‌پردازند. اما تحلیل ریشه‌های بحران تحت تأثیر بنیان‌های فکری و جامعه آرمانی و آرمان‌شهر ذهنی نظریه‌پرداز است؛ به بیان دیگر، در این مرحله این سؤال مطرح است که اگر این وضعیت نامطلوب است، پس نظم آرمانی وضعیت مطلوب کدام است. در این مرحله، نظریه‌پرداز با توجه به آرمان‌شهر خود از «هست‌ها» عبور می‌کند و به «بایدها» می‌رسد و مبتنی بر

این تحلیل، در مرحله سوم راه حل خود را برای برون رفت از وضعیت بحرانی موجود ارائه می‌کند. در این رویکرد برای استنباط منطق درونی نظریه، محقق در جست‌وجوی چند سؤال مشخص است که عبارت‌اند از چه مشکلاتی در جامعه موجب طرح این الگو شد؟ الگوهای توسعه پیشین چه ایراداتی داشتند؟ چگونه و مبتنی بر چه دستگاه فکری مشکلات موجود تحلیل شد؟ چه ایدئال تایپ و نمونه آرمانی وجود داشت؟ مبتنی بر این موارد، چه راه‌حل‌هایی در قالب الگوی جدید پیشنهاد شده است؟ براین اساس، این نظریه می‌تواند چهارچوب نظری مناسبی برای فهم ضرورت‌ها و بنیان‌های نظری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان نظریه‌ای هنجاری برای رسیدن به وضعیت مطلوب باشد. این نظریه به خوبی می‌تواند از یک سو ابعاد سلبی طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را معطوف به بحران‌های چند دهه گذشته در ایران و پیامدهای برنامه‌ها و الگوهای توسعه در کشور توضیح دهد و از سوی دیگر تبیین‌کننده ابعاد ایجابی طرح ذکرشده و توضیح چرایی اهداف و راهبردهای این الگو با توجه به آرمان شهر و بنیادهای تفکر شیعی در ایران باشد. لذا این نظریه در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد و در فصل مربوطه نیز در مورد شیوه عملیاتی کردن این روش مفصل بحث خواهد شد.

پیشینه پژوهش

پیشینه بحث‌های مرتبط با این پژوهش را می‌توان در چند مبحث مختلف زیر پیگیری کرد:

آثار مرتبط با مفهوم پیشرفت و تحول آن

آثار مختلفی درباره مفهوم پیشرفت و تحول آن و امکان الگوهای پیشرفت بومی نگاشته شده است که نویسندگان داخلی و خارجی منتشر کرده‌اند. بسیاری از اندیشمندان مکتب فکری نئومدرنیزاسیون، مکتب وابستگی و

پست مدرن‌ها به این بحث اشاره کرده‌اند و الگوی پیشرفت بومی را از دیدگاه‌های مختلف مورد بحث قرار داده‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

- برخی از این آثار به تاریخ تحول مفهوم پیشرفت و الگوهای مختلف از توسعه اشاره کرده‌اند. مانند: اندرو وبستر، هتن، گیلبرت ریست، رابین تئوبارت، ریچارد هیگات، و یکی راندال، سوزان بیکر، آدام پریورسکی، یان ندروین پیترسه، اسکوبار، دیوب، تودار. دغدغه برخی از این نویسندگان همچون هیگات آن است که کدام یک از تئوری‌های توسعه سیاسی می‌تواند توسعه سیاسی در جهان سوم را پشتیبانی و تبیین کند (Higgott, 1982). هتن و اندرو وبستر به جامعه‌شناسی توسعه اشاره دارند و نقش عوامل اجتماعی فرهنگی بر توسعه را مهم می‌دانند (Hettne, 1995). برخی مانند بیکر رویکرد توانمندسازی را مدل بدیل توسعه معرفی می‌کند (Baker, 1997). پریورسکی توسعه انسانی را الگوی بدیل مطرح می‌کند (Przeworski, 2000). و ندروین معتقد است که هر نظریه توسعه واجد ابعاد و لایه‌های متنوعی از زمینه تاریخی و شرایط سیاسی و معرفت‌شناسی و ترجیحات فرهنگی است (Nederveen, 2010). اسکوبار در آثار خود در جست‌وجوی «جایگزینی برای توسعه» است (Escobar, 1995). در منابع این پژوهش نام آثار آن‌ها ذکر شده و از آن‌ها استفاده شده است.

آثار مرتبط با الگوی پیشرفت در ایران

در این مورد نیز آثار مختلفی در ایران منتشر شده است که می‌توان به آثار نویسندگان دوران قاجار همچون طالب‌اف و میرزاملکم خان اشاره کرد و در دوران مشروطه آثار مشروطه‌طلبان و مشروعه‌خواهانی که از نوعی توسعه سیاسی بومی سخن می‌گفتند تا بومی‌گرایان در دوران پهلوی همچون، ایرانشهر، کسروی، شایگان، شریعتی، آل‌احمد، نصر می‌توان اشاره کرد و بعد از

انقلاب نیز آثار متعددی در این باره نگاشته شده که در این کتاب از بخش مهمی از آن‌ها در فصل سوم استفاده می‌شود و نام آن‌ها در منابع ذکر شده است.

آثار مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در سال‌های پس از انقلاب، آثار مختلفی در مورد الگوی دینی و اسلامی از پیشرفت و رابطه دین و توسعه نگاشته شده است که شامل مجموعه پایان‌نامه و رساله و مقالات مختلفی به شرح است که در مجلات علمی - پژوهشی به چاپ رسیده و در پایگاه‌های اسنادی پرتال جامع علوم انسانی، مگ ایران و نور مگر، منتشر شده و شامل بیش از ۱۶۰ عنوان مقاله و ۷۰ کتاب و بیش از چهل رساله و پایان‌نامه است که عناوین آن‌ها در بخش دوم این اثر ذکر شده است. زیرا یکی از اهداف مهم این پژوهش تحلیل و ترکیب این آثار و دستیابی به یافته‌ای جدید در قالب نظریه‌ای درباره چستی الگوی اسلامی ایرانی است. لذا به صورت مشروح عناوین این پژوهش‌ها در ادامه مطرح می‌شود. مطالب این آثار را اغلب می‌توان در چند محور خلاصه کرد. بخشی از آن‌ها به بنیان‌های دینی و معرفت‌شناسی و جهان‌بینی و انسان‌شناسی این الگو و برخی دیگر به جایگاه مباحثی همچون عدالت، آزادی، فقه امنیت در این الگو پرداخته‌اند. برخی نویسندگان نیز چستی و چرایی و چگونگی تأسیس این الگو را از دیدگاه تخصص خود بررسی کرده‌اند و اندیشه رهبران انقلاب را در آن مورد توضیح داده‌اند. اما از منظر مسئله و با رویکرد فراترکیبی به پژوهش‌های انجام شده کاری انجام نشده است. لذا این پژوهش جدید محسوب می‌شود و دارای نوآوری است؛ به بیان دیگر، نوآوری این پژوهش جامعیت و کلان‌نگری و ویژگی تحلیلی و ترکیبی آن است که کاری بدیع بوده و در خصوص آثار مختلف و متنوع در خصوص پیشرفت در ایران انجام نشده است.

سازمان دهی مباحث

اهداف این پژوهش از یک سو به دنبال تبیین جایگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظریه‌های توسعه در علوم انسانی و همچنین جایگاه این الگو در اندیشه‌اندیشمندان علوم انسانی به خصوص تا قبل از انقلاب اسلامی است و از سوی دیگر به دنبال جمع‌یافته‌های پژوهش‌های علوم انسانی انجام شده درباره‌ی این الگو در سال‌های پس از انقلاب است. لذا برای رسیدن به این اهداف و پاسخ به سؤالات پژوهش، مباحث در هفت فصل به شرح زیر سامان‌دهی شده است. در فصل اول در بحثی مفهومی، ضمن تبیین انواع رویکردها و نظریه‌ها به پیشرفت، جایگاه الگوهای پیشرفت در این نظریه‌ها بررسی می‌شود و معتقد است که در نظریه‌های جدید توسعه و پیشرفت تأکید بر بافتمندی و تاریخمندی وجه غالب نظریه‌های جدید به موضوع توسعه و پیشرفت است که براین اساس نظریه‌های جدید ضرورت توجه به بوم‌زیست جوامع را در هرگونه الگوی توسعه برجسته می‌سازد.

در فصل دوم برای بررسی یک تجربه‌ی زیسته منطقه‌ای در بین کشورهای مسلمان، مروری بر پنج اندیشه درباره‌ی الگوی بومی از توسعه در کشورهای اسلامی، به صورت خاص مالزی و پاکستان و ترکیه و ایران و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، اشاره شده که نشان می‌دهد الگوهای معطوف به بوم‌زیست این جوامع وجه غالب را بین بخش مهمی از اندیشمندان علوم انسانی این کشورها شکل داده است.

در فصل سوم به مطالعه‌ی خوانش‌های مختلف از پیشرفت در بین متفکران علوم انسانی ایران از دوران قاجار تا انقلاب اسلامی پرداخته شد و تأکید گردید که هر چند گونه‌های مختلفی از الگوی پیشرفت را می‌توان در مقاطع مختلف تاریخی مشاهده کرد، نگرش غالب به پیشرفت در بین متفکران علوم انسانی ایران تأکید بر الگوی پیشرفت با لحاظ کردن هویت ایرانی و اسلامی بوده است.

در فصل چهارم، رویکردها به پیشرفت بومی دینی در سال‌های پس از انقلاب در بین جریان‌های اسلام‌گرا مطرح شده است و سه جریان در این سال‌ها از یکدیگر بازناسایی شده‌اند که شامل رویکرد تأسیسی نقل‌گرا، رویکرد تجددگرایی دینی و رویکرد نوگرایی فقهی به پیشرفت است. همچنین در این فصل، بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در اندیشه رهبر انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یکی از مهم‌ترین ایده‌پردازان این الگو در سال‌های پس از انقلاب، مطرح گردیده و دلایل و چرایی طرح این الگو و ویژگی‌های آن تبیین شده است.

در فصل پنجم، یافته‌های کلیه پژوهش انجام شده درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، که در قالب مقاله و کتاب و رساله منتشر شده است، با روش فراترکیب تحلیل می‌شود تا با این روش ضمن استخراج مضامین و مقولات محوری در این پژوهش‌ها و ترکیب و هم‌افزایی آن‌ها اول، با دستیابی به یافته‌های جدید مستخرج از این پژوهش‌ها و دوم، ارائه نظریه‌ای برای فهم چیستی و چرایی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با استفاده یافته‌های این پژوهش‌ها دست پیدا کنیم و در نهایت در نتیجه‌گیری، امهات مباحث و یافته ارائه شده است.

در خاتمه، از همه کسانی که در نگارش این اثر از کمک‌های آن‌ها استفاده شده سپاس‌گزارم و به خصوص از جناب آقای دکتر محمدباقر خرمشاد، که زحمت نظارت علمی بر این اثر را متقبل شدند و با راهنمایی‌ها و نظرهای ارزشمند خود نقش مهمی را در غنای این اثر پژوهشی ایفا کردند، صمیمانه قدردانی و تشکر می‌کنم. همچنین از آقای دکتر محمد محمودی کیا و سرکار خانم فرحناز نعیمی، که به عنوان همکار این جانب در این طرح هر یک در آماده‌سازی بخش‌هایی از این پژوهش همکاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

از همکاری مسئولان محترم مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مدیریت کتابخانه آن مرکز و ریاست و مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و همچنین از همکاری مراکز مختلف پژوهشی دیگری که به این جانب و همکارانم در تهیه این اثر پژوهشی یاری رساندند و همچنین استادانی که از نظرهایشان در ارتقای کار بهره برده‌ام به خصوص از آقایان دکتر صدرا، دکتر برزگر، دکتر زاهد غفاری و دکتر عیوضی صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم. امید است این اثر پژوهشی بتواند از یک سو در عرصه نظری ضمن تقویت ادبیات مرتبط با پیشرفت معطوف به بوم‌زیست ایران و شناساندن سابقه طولانی و پیشینه و تبار الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نزد متفکران علوم انسانی کشور و تبیین مناسب از فهم کلان محققان علوم انسانی ایران از این الگو مفید بوده و همچنین در عرصه عمل و کاربرد در طراحی و تقویت سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأثیرگذار و موجب غنابخشیدن به آن گردد.